

# شرح احوال و معرفی نسخه‌های خطی از کلیات آثار پیرجمال اردستانی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

امید سُروری

## مقدمه:

بررسی میراث مکتوب گذشته، همواره از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار است؛ چراکه گوشه‌های تاریک و پنهان زبان، تاریخ و فرهنگ یک ملت در لابه‌لای اوراق این نسخ همچون گنجی می‌درخشد. کاتبان، جدولبندان، جلد‌سازان، مذهبیان و ... با عشق، به کتابت، تجلید و تذهیب نسخ می‌پرداخته‌اند و آنچه می‌دانسته‌اند در پس این اوراق برای ما و فرزندانشان ما به یادگار گذاشته‌اند. متأسفانه امروزه بسیاری از نسخ خطی فقط به دلیل مطالبشان مورد اهمیت واقع می‌شوند و از این بدتر که حتی رسم‌الخط این متون را هم آنقدر تغییر می‌دهند و امروزی می‌کنند که دیگر شباهت متن تصحیح شده با متن نسخه‌های مورد استفاده واقع شده به کمترین شکل می‌رسد و متن تصحیح شده خود نسخه‌ای جداگانه شده که البته دیگر حاوی اطلاعات نسخ قبلی حداقل در خصوص رسم‌الخط نیست و بسیاری از نسخی که دارای اطلاعات فراوان زبان‌شناسی، فرهنگی، هنری و ... هستند و از نوع خط گرفته تا نوع جدولبندی و تذهیب آنها باید جداگانه و با دید تخصصی بررسی شود.

در این مقاله ضمن معرفی مختصر پیرجمال اردستانی نسخه‌ای از کلیات آثار وی نیز معرفی شده که در آن اطلاعات تاریخی، زبان‌شناسی، هنری و فرهنگی ویژه‌ای ... مربوط به دوره تیموری و مرکز پهنه بزرگ زبان و ادبیات فارسی، یعنی عراق عجم به چشم می‌خورد. امید است روزی دست‌داران فرهنگ توجه خود را بیشتر به بررسی همه جانبه نسخ خطی میراث مانده معطوف کنند.

## ۱- شرح احوال پیرجمال اردستانی

### ۱-۱ نام، لقب و تخلص وی

پیرجمال الدین اردستانی، متخلص به جمالی و معروف به پیرجمال و پیر جمالی، عارف، شاعر، مفسر، محدث و نویسنده بزرگ سده نهم است. نام وی در منابعی مثل: طرایق الحقایق<sup>۱</sup>، اصول الفصول<sup>۲</sup>، ریحانة الادب<sup>۳</sup>، فهرست نسخ خطی مجلس شورای ملی<sup>۴</sup>، عجب نامه<sup>۵</sup>، جستجو در تصوف<sup>۶</sup>، و دانشمندان و سخن‌سرایان فارس<sup>۷</sup>، احمد ذکر شده و در تاریخ ادبیات در ایران (صفا)<sup>۸</sup>، تاریخ نظم و نثر در ایران<sup>۹</sup> و فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس معروف به فهرست بلوشه<sup>۱۰</sup>، نام وی را فضل الله جمالی آورده‌اند، اما در منابع دیگر از قبیل ریاض العارفین<sup>۱۱</sup>، احسن التواریخ<sup>۱۲</sup>، الذریعه<sup>۱۳</sup> و آتشکده اردستان<sup>۱۴</sup> نام وی را محمد گفته‌اند.

### ۱-۲ مکان و زمان تولد

سال تولد وی مشخص نیست، منتها مؤلف آتشکده اردستان بنا بر مطلبی که در رساله هجدهم مرآة الافراد آمده و در آن پیر جمال گفته: « این فقیر پنجاه سال است که غزا میکند با این خلق و خلق را خبر نیست»<sup>۱۵</sup> و در پایان برخی نسخه‌های مرآة الافراد تاریخ ۸۶۶ هـ را زمان تالیف نوشته‌اند حدس زده‌است که پیرجمال باید در حدود سالهای ۸۱۰ تا ۸۱۶ هـ متولد شده باشد که مقارن با سال نهم سلطنت شاهرخ تیموری است.<sup>۱۶</sup> و درجایی دیگر بدون ذکر منبع گفته‌است، که وی درده کچویه سنگ واقع در دو فرسنگی اردستان به دنیا آمده‌است.<sup>۱۷</sup>

### ۱-۳ زندگینامه

#### ۱-۳-۱ دوران کودکی و جوانی

از پدران و احفاد وی هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست، و درباره زندگی و شرح حال خود او هم به جز آنچه در آثار خودش به آنها اشاره کرده است مطلب بیشتری در منابع و تذکره‌ها نمی‌توان بدست آورد بنا بر اشاراتش در دو اثر «شرح الکنوز» و «تنبیه العارفین» وی در ابتدای کودکی به آموزش علوم متداول روزگار خود بخصوص علوم شرعی در نزد پدرش یا پیری ناشناس پرداخته و درشش سالگی سفری به همراه پدرش که گویا بازرگان بوده، به حج و تبریز و همچنین کرانه رود ارس داشته است.<sup>۱۸</sup> و بنا بر اشاراتش در مثنوی «فتح الابواب» در همین سفر حج و در همین سن و سال کم در کعبه با پیری ملاقات کرده که او را از زیارت و طواف بازداشته، به مقام خلیل (ع) برده و حقایقی را برایش روشن کرده است.<sup>۱۹</sup> همچنین وی در مثنوی «شرح الکنوز» در اشاره به همین سفر از ملاقات رمزآلودش با امام علی و حسنین (ع) سخن گفته و درباره گفتگویش با آنان مطالبی آورده است، و البته باز در شرح الکنوز گفته‌است که پس از این سفر به مسافرت‌های دیگری قدم گذاشته از جمله دو ماهی به روم و حبش رفته و با صوفیان ملاقاتی داشته و حالات و رسوم آنان را دیده و در تبریز در صف اهل علوم افتاده است.<sup>۲۰</sup> جمالی با این سیر و شور حال همراه بوده تا

اینکه براساس آنچه در مثنوی «معلومات» آورده در نه سالگی مجدداً به فرمان پدر و یا پیرش به سفر حج می‌رود و این بار نیز در مقام عرفات، جوان ناآشنایی او را از زیارت و طواف باز داشته و بعد از اینکه از اصل و نسب او پرسیده او را به توجه در باطن توصیه کرده و از اعتنا به ظواهر دین بازداشته و سفارش کرده که پیرجمال به اردستان بازگردد و به دیدار و خدمت پیرمرتضی علی اردستانی برسد، پیرجمال در ادامه می‌گوید که به اردستان بازگشته و به جستجوی پیرمرتضی علی اردستانی پرداخته است، ولی وقتی او را در مسجدی یافته چون به او نیک نگریسته دیده او همان جوانیست که او را در عرفات دیده و با او به صحبت پرداخته است،<sup>۲۱</sup> از همین زمان است که به پیرمرتضی ارادت خاصی پیدا می‌کند و به خدمت او درمی‌آید.

### ۱-۳-۲ دوران پس از ورود به تصوف

جمالی پس از ورود به خدمت پیرمرتضی، مدتی را مخفیانه در طریقت وی به کسب علم و طی طریقت پرداخته‌است، و در همین سالها بوده که طبق اشاراتی که به صورت پراکنده در آثارش آورده با آثار عرفای بزرگی چون مولانا، ابن عربی، عین القضاة همدانی، سنایی، عطار، اوحدی و سعدی، آشنایی یافته و علاوه بر آنها بدون شک آثار شهاب الدین عمر سهروردی را نیز بارها مطالعه کرده است، چرا که سلسله طریقتی که وی به آن پیوسته از فرق سلسله سهروردیه در ایران بوده است. اما مدتی بعد احوال و عقاید پیرجمال که در نظر عوام و مردم آن ناحیه ناپسند بوده فاش شده و به همین خاطر وی مجبور به ترک دیار و مسافرت‌های پیاپی شده‌است.<sup>۲۲</sup> مشخص نیست این مسافرت‌ها از کی شروع شده و آیا در آن زمان هم هنوز پیرمرتضی در قید حیات بوده‌است یا نه؟ و اگر زنده بوده ارتباط پیر جمال با وی تا کی و به چه صورتی ادامه داشته‌است تنها چیزی که در مورد مسافرت‌های او از آثار مختلفش می‌توان فهمید این است که وی به قبچاق، خجند، خراسان، تبریز، روم، حلب، عراقین، شیراز، مهاباد، هند، چین، بلاد عرب، بغداد، سمرقند، مهاباد و سبزوار سفر کرده‌است و در بین این سفرها، گاهی نیز به زادگاه خود اردستان مراجعه می‌نموده است.

### ۱-۳-۳ ملاقات با الغ بیک تیموری و پیر بوداق خان

جمالی در ادامه سفرهایش در سمرقند ملاقاتی با الغ بیک تیموری داشته که در کتاب «محبوب‌الصدیقین» از آن یاد کرده‌است.<sup>۲۳</sup> این ملاقات باید در فاصله سالهای ۸۵۱ تا ۸۵۳ هـ روی داده باشد چرا که در همان ایام الغ بیک بنا به گفته روملو: «ولایت بلخ را به میرزا عبداللطیف رجوع نموده به طرف سمرقند روان شد»<sup>۲۴</sup> و به گفته هم او در سال ۸۵۳ هـ الغ بیک به دست پسرش عبداللطیف کشته شده است.<sup>۲۵</sup> جمالی گویا علاوه بر این ملاقاتی نیز با ابوالفتح پیر بوداق خان پسر جهان‌شاه قراقویونلو داشته که در شرح الکنوز به آن اشاراتی کرده‌است.<sup>۲۶</sup> این ملاقات نیز باید در فاصله سالهای ۸۵۷ تا ۸۵۸ هـ که پیر بوداق موفق به تسخیر عراق شده و بابر نیز از مقابل او به خراسان گریخته است روی داده باشد.<sup>۲۷</sup>

### ۱-۳-۴ ملاقات با عبدالرحمان جامی

ملاقات مهم دیگری که در دوران زندگی پیرجمال رخ داده‌است و در منابع هم از آن یاد شده برخوردش با عبدالرحمان جامی عارف و شاعر بزرگ قرن نهم هـ است در این ملاقات جامی با وی از سر تعصب برخورد می‌کند و او و یارانش را جمال الله یعنی شتران خدا می‌خواند و عقاید آنان را به تمسخر گرفته و رد می‌کند.<sup>۲۸</sup> از روی اشارات پیرجمال در «فتح الابواب» این واقعه باید در سال ۸۷۱ هـ زمان روی داده باشد.<sup>۲۹</sup>

### ۱-۴ مکان، زمان و چگونگی درگذشت

سرانجام پیرجمال الدین اردستانی پس از سالها سیر و سفر مابین شهرهای مختلف و زادگاهش و همچنین تالیف آثار و تبلیغ طریقت، در زادگاهش اردستان به سال ۸۷۹ هـ دیده از جهان فرو بسته‌است. آرامگاه وی در سمت چپ مرادش پیرمرتضی علی اردستانی، در بقعه پیرمرتضی واقع در محله فهره اردستان مجاور مسجد سفید سردشت قرار دارد.<sup>۳۰</sup>

### معرفی آثار

پیرجمال در میانه و پایان بعضی از آثارش به آثار دیگر خود اشاره کرده و گاهی مخاطبش را به مطالعه آنها سفارش کرده و ارجاع داده‌است، همین امر در صحت انتساب آثارش بسیار راهگشا است.

آثار وی عبارتند از

کنز الدقایق؛ شرح الكنوز؛ تنبیه العارفين؛ بیان حقایق مصطفی(ص)؛ این مجموعه شامل هفت مثنوی بلند، مصباح الارواح، احکام المحبین، نهایت الحکمه، بدایة المحبة، هداية المعرفة، فتح الابواب و شرح الواصلین است و در شرح احوال پیامبر(ص) از آفرینش نوروی تا انتهای زندگی اوست؛ محبوب الصدیقین، مرآة الافراد(به نثر)؛ کشف الارواح یا یوسف نامه؛ مفتاح الفقر؛ مشکوة المحبین؛ معلومات؛ استقامت نامه؛ نور علی نور؛ ناظر و منظور؛ مهرافروز؛ مهرقلوب؛ قدرت نامه؛ نصرت نامه؛ فرصت نامه؛ فضیلة العقل؛ داستان زندگی سلمان؛ میزان الحقایق؛ دیوان اشعار و مثنویات بسیار کوتاه دو تا بیست بیتی.

### ۱- معرفی نسخه دست نویسی کلیات آثار پیرجمال معروف به نسخه مجلس

#### ۱-۱ مشخصات نسخه

این نسخه حاوی چهار رساله از رسالات عرفانی پیر جمال اردستانی(م ۸۷۹) عارف بزرگ شیعه‌است که از حدود قرن نهم هـ به یادگار مانده است و تحت عنوان کلیات پیر جمال اردستانی به شماره ۴۲۷۶ در مخزن کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است، این رسالات به ترتیب شامل رساله‌های مرآة الافراد، شرح الكنوز(قسم اول)، کنز الدقایق، شرح الكنوز(قسم دوم)، روح القدس(که نام قسم سوم شرح الكنوز است) و تنبیه العارفين می‌شود. نوع جلد این نسخه تیماج مقوایی قرمز و ابعادش (۱۲×۲۱/۵) و نیز نوع کاغذ آن

اصفهان است. این نسخه را کاتبی نامعلوم به خط نستعلیق خوش در ۳۰۷ برگ ۲۵ سطری نوشته است. بر روی برگهای ۱ تا ۸ و برخی از برگها در میانه نسخه و همچنین برگهای آخر ۲۸۷ و ۲۸۸ عملیات وصالی انجام شده و همچنین بر روی قسمت بالایی تمام برگها (حدود یک سوم صفحات) اثری از نم و رطوبت وجود دارد که باید در زمانی دور رخ داده باشد. در صفحه اول این نسخه به خط نسخ درشت نوشته شده است کلیات پیرجمال اردستانی و در سمت چپ بالای آن به خط ناخوانایی نوشته شده: «این نسخه به شهادت خط، کاغذ و [...] در همان اوقات کتابت شده، ممکن است از این کلیات بهتر و صحیح تر از این یافت شود خصوصا اینکه بسیار عزیز الوجود و کمیاب است». و در کنار آن نامی شبیه به امام مجدالدین [...] ۱۳۴۹ درج شده است و همچنین در پایان رساله‌ها در کنار ترقیمه‌های مثلثی شکل مهری به محتوای صدرالعلمای طباطبایی ۱۳۳۱ زده شده است.

قبل از همه رساله‌های مندرج در نسخه و قبل از هر سه قسم رساله بزرگ شرح الكنوز، به جز رساله اول (مرأة الافراد) شمسه‌هایی مذهب و طلاکاری شده با آب طلا وجود دارد که در دور آنها با جوهر لاجورد شرفه کشیده شده است. بر روی هر کدام از شمسه‌ها به ترتیب به خط ثلث با آب طلا نوشته شده است: (قبل از قسم اول شرح الكنوز برگ ۷۱) «الرموز من کتاب الشرح الكنوز و بحر الرموز و رفیق [...] و طریق الخیر و مراد العارفین و مشکوة العاشقین مع محبین المشتاقین فی هذه المحبه»؛ (قبل از کنزالدقایق) (برگ ۱۱۱) «قال الله عز وجل: لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون (آل عمران: ۱۶۹)»، (قبل از قسم ثانی شرح الكنوز) (برگ ۱۵۴) «افتتاح قسم الثانی من الكتاب الشرح الكنوز و بحر الرموز فی بیان طریقه اهل العشق و المحبه». اما قبل از قسم سوم رساله شرح الكنوز دو شمسه وجود دارد محتوای اولی «قال الله قل نزله روح القدس من ربك بالحق لیثبت الذین آمنوا وهدی و بشری للمسلمین (نحل: ۱۰۲)» و محتوای دومی «القسم الثالث من كتاب شرح الكنوز المسمى بروح القدس فی بیان منهج اهل الحقیقه»، (برگهای ۱۸۳ و ۱۸۴) است. و بر روی آخرین شمسه هم (قبل از رساله تنبیه العارفین) (برگ ۲۳۲). نوشته شده: «الذین اتیناهم الكتاب یعرفونه كما یعرفون ابناءهم و ان فریقا منهم لیکتمون\* الحق و هم یعلمون (بقره: ۱۴۶ و ۱۴۷)»

اما یقینا پیش از شروع رساله اول (مرأة الافراد) نیز شمسه‌ای همانند شمسه‌های دیگر بوده که در آن نام و عنوان رساله مرأة الافراد آمده بوده اما افتاده است. چون در رساله‌های دیگر این نسخه، نام و عنوان رساله‌ها یا در شمسه‌ها آمده، و یا (همانند رساله کنزالدقایق) عنوان رساله در کتیبه و سرلوح آمده است و چون در کتیبه و سرلوح رساله اول این کتاب (مرأة الافراد) به جای نام رساله مرأة الافراد آمده: «المسطور فی رق المنشور» پس بدون شک نام آن باید در شمسه ماقبل از شروع رساله بوده باشد. علاوه بر این ماقبل همه رساله‌های دیگر این کتاب شمسه وجود دارد پس حتما ماقبل رساله اول نیز وجود داشته است. احتمالاً در روزگاری نامعلوم و قبل از رسیدن این نسخه به مخزن موزه نسخ خطی مجلس شورای اسلامی این صفحه از معرض دستبرد در امان نمانده و به منظور فروش جداگانه کنده شده است؛ چون این شمسه‌ها نمونه‌های بسیار زیبایی از دوره تیموری‌اند که به زیبایی هر چه تمامتر با آب طلا مذهب و تزئین شده‌اند.

در صفحه نخست این نسخه (قبل از مرآة الافراد) کتیبه و سرلوحی وجود دارد که با آب طلا و لاجورد و قلم‌های مشکی مختلف تذهیب و ترسیم شده و در داخل آن به خط ثلث نوشته شده: «المسطور فی رق المنشور» و بر روی این نوشته نقاشی ساقه و برگ‌های اسلیمی شده با آب طلا به شکل پیچ در پیچ کشیده شده است. پس از این کتیبه، مطالب دو صفحه اول و دوم در ۹ سطر و در عرض کوتاهتر از عرض مطالب صفحات دیگر در داخل دو جدول کمی بزرگتر از همین طول عرض نوشته شده است. این دو جدول با لاجورد آب طلا و چند قلم مشکی و رنگ‌های طلایی و آبی و سفیدآب کشیده شده‌اند و در حاشیه آنها نقاشی نوعی گل ختایی شبیه به نیلوفر به طور متناوب کشیده شده است. و البته در حال حاضر بیشتر این نقشها و خطوط کمرنگ شده و به زحمت قابل دیدن است. همچنین صفحات اول رساله‌های دیگر نیز دارای کتیبه و سرلوحه‌های مذهب به سبک مکتب دوره تیموری است که کتیبه‌ها و سرلوحه‌ها مثل کتیبه و سرلوح اولین رساله با لاجورد، سفیدآب و آب طلا تذهیب و ترسیم شده و جداول آنها نیز با چند قلم سیاه و رنگ آب طلا کشیده شده‌اند. در داخل کتیبه‌ها عنوان و نام رساله یا سرفصل اصلی که مطلب با آن شروع شده به خط ثلث با آب طلا نوشته شده و بر روی آن با آب طلا نقاشی ساقه و برگ‌های پیچ در پیچ اسلیم تذهیب و ترسیم شده است. هر صفحه دارای جدولی به ابعاد (۱۴×۷) است که سطور مطالب را در بر دارد، البته در جاهایی که مطلب منظوم شده به دو قسمت مساوی تقسیم شده و هر کدام یک مصراع را در بر گرفته است این جداول با چند قلم سیاه و رنگ آب طلا کشیده شده‌اند. در پایین هر صفحه سمت چپ رکابه‌ای نوشته شده که حاوی یک یا دو کلمه از جملات آغازین صفحه بعد است. و ویژگی آخر اینکه قسمتی از سرفصلها و سرعنوانها در میانه رساله‌ها و بیشتر آیات و احادیث با جوهر قرمز و یا سنگرف نوشته شده‌اند. این نسخه به گفته استاد عظیم الشان دکتر عبدالحسین حائری (که در بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی در حال تهیه فهرست نسخ هستند) از آقای دکتر رکن الدین همایونفر خریداری شده است.

## ۱-۲ ویژگی‌های رسم الخط

- ۱-۲-۱ مصوت «آ» هم به صورت آسمان و هم به صورت آسمان نوشته شده است.
- ۱-۲-۲ حرف اضافه «به» و حرف «ب» التزامی در همه جا چسبان به کلمه بعدی نوشته شده‌اند؛ مثل: باسم، بذات، برفت، بشد...
- ۱-۲-۳ ضمیر پرسشی «چه» هم به صورت جدا و هم چسبان نگاشته شده است، مثل: چپاک، چه باشد و...
- ۱-۲-۴ پیشوند منفی ساز «ن» در بیشتر موارد به صورت مجزا و قبل از افعال نوشته شده است؛ مثل: نه بینی، نه خواهی.
- ۱-۲-۵ واج «س» به دو صورت کشیده و ساده نوشته شده و در بیشتر موارد در هر دو صورت در زیر آن سه نقطه قرار دارد.
- ۱-۲-۶ واج «د» (دال عجمی) در کلماتی مثل خدا (در همه موارد)، صدا، پیداء، بیدار، در بیشتر موارد با

یک نقطه به شکل ذال نوشته شده است.

۱-۲-۷ واج «ذ» در اکثر کلمات همین گونه نوشته شده، ولی در برخی موارد کلماتی مثل گذشته و گذار، بی نقطه کتابت شده‌اند.

۱-۲-۸ واج «گاف» در همه جا با یک سرکش نوشته شده (یعنی به صورت «ک»).

۱-۲-۹ واج «پ» هم با یک نقطه و هم با سه نقطه نوشته شده است.

۱-۲-۱۰ واج «ژ» در اکثر موارد با یک نقطه و در بعضی موارد با سه نقطه نوشته شده است.

۱-۲-۱۱ واج «چ» به هر دو صورت با یک نقطه و با سه نقطه نوشته شده است.

۱-۲-۱۲ و او عطف در اکثر موارد نوشته شده، ولی در بعضی موارد به جای آن از ضمه استفاده شده و از نوشتنش خودداری شده است.

۱-۲-۱۳ کسره اضافه در بعضی موارد نوشته شده است؛ ولی بعد از کلماتی که به «ه» ختم شده‌اند

به صورت

«ء» آورده شده، مثل خانه ء دل و همچنین بعد از کلماتی که به «ی» ختم شده‌اند به صورت همزه یا فتحه‌ای در بالای «ی» نشان داده شده است؛ مثل: مستی جام، هستی ء او

۱-۲-۱۴ واج «ی» هرگاه در پایان کلمات، بعد از مصوت بلند «آ» و «و» آمده گاهی نوشته شده و گاهی حذف گردیده است؛ مثل: مجوی، مجو، رهنما، رهنمای و ...

۱-۲-۱۵ واج و مصوت «ی» در پایان کلمات به دو صورت بی نقطه «ی» و با دو نقطه در زیر «ی» نوشته شده است.

۱-۲-۱۶ کلماتی که به واج یا مصوت «ی» ختم شده‌اند و به «ی» نکره و وحدت چسبیده‌اند با هر دو یاء نوشته شده‌اند، مثل: راویی، قاری و ...

۱-۲-۱۷ «را» نشانهٔ مفعول در اکثر موارد به مفعول چسبیده است؛ مثل: جهانرا، سعادت‌مند آنرا و ...

۱-۲-۱۸ هرگاه کلمه‌ای قبل از کلمات است، این، از، او، آمده به آنها چسبیده و الف این کلمات حذف شده است؛ مثل: برین، وز، شمعت، همو و ...

۱-۲-۱۹ همزهٔ کلماتی که همزهٔ عربی در وسط خود دارند بر روی کرسی الف نوشته شده است؛ مثل: تأویل، تفأل و ...

۱-۲-۲۰ بر روی واج «ک» و «ک (گ)» در آخر کلمات در اکثر موارد همزه آمده است؛ مثل: خاک، کرک، (گرگ) و ...

۱-۲-۲۱ «ة» گرد عربی در کلماتی که به آن ختم شده در بیشتر موارد به صورت تاء کشیده نوشته شده است؛ مثل: زکات، صلات و ...

۱-۲-۲۲ در مواردی بر روی واج‌های «ح» و «ی» در وسط کلمات علامت ساکن گذاشته شده است؛ مثل: بحر، محیط، میدان و ...

۱-۲-۲۳ جملات عربی، آیات و احادیث در بیشتر کلمات دارای شکل، حرکت، تشدید، ساکن و مد

هستند. و نکته بسیار مهم این که کاتب در مواردی سعی کرده تا با حرکت گذاری بر روی برخی کلمات، آنها را به آنچه می‌شنیده است و یا به لهجه خودش و یا به رسم الخط کتابی که از روی آن می‌نوشته نزدیک کند؛ مثل سُوار، عَراق، بادَه، رَو، هیچ، همَه، جَو، گَو، می و.... .

۲-۲۴ برخی از کلمات فارسی نیز به خاطر هم شکل بودن از لحاظ کتابت دارای شکل و حرکت هستند تا خواننده دچار مشکل نشود؛ مثل: کل ( گل )، کل ( گل )، سر ، سِر و...

۲-۲۵ پیش از واجهایی که در وسط کلمات به مصوت «ا» چسبیده‌اند، حرکت فتحه نوشته شده است؛ مثل قِیام، عالم، اشجار، ثَمار و... .

۲-۲۶ در برخی موارد کلماتی که کنارهم آمده‌اند و برخی کلمات مرکب، سرهم نوشته شده‌اند، این قاعده بیشتر در مواردی است که دو کلمه با یکدیگر یک قید را ساخته‌اند و جدا کردن آنها این کاربرد دستوری را کم‌رنگ و گاه از دید خواننده دور می‌کند؛ مثل یکلحظه، دلفروز، بیخبر، هیچکس، همخانه، بیحاصل، دلخسته، همسو، بیکسو، از آنرو و...

۲-۲۷ پیشوند «می» علامت استمراری در بیشتر موارد به فعل بعد از خود چسبیده است.

۲-۲۸ علامت جمع «ها» در بیشتر موارد به کلمه ما قبل خود چسبیده است.

۲-۲۹ در میان جملاتی که به صورت نثر در وسط قسمتهای منظوم آمده علامتی شبیه به نقطه در پایان بعضی کلمات آمده که تقریباً شبیه به علامت ویرگول در زمان ما انجام نقش کرده است تا خواننده در موقع خواندن نثر گاهی توقف کند و دچار اشتباه نشود و در ضمن بار تأکیدی که مورد نظر مؤلف بوده به خواننده منتقل شود، این ویژگی در نوع خود بسیار منحصر به فرد است. برای نمونه: «درعالم صورت سیرت صورتست تا شخص صورت خود ویران نکند ره بسیرت نبرد. و این معرفت بجان کندن حاصل شود و کار بزبان راست نیست طفلان راه بزبان عادت کرده‌اند و فریفته صورت گشته و بیخبر که دل چه باشد و...» ( شرح الکنوز قسم سوم برگ ۲۰۷).

۲-۳۰ « ی » نکره، « ی » وحدت، و همچنین پسوند ماضی استمراری در دوم شخص یعنی «ای» استمراری هر جا بعد از کلمه ای واقع شده‌اند که به های غیر ملفوظ « ه » ختم شده به صورت «ه» نوشته شده است مثل خانه (به جای خانه‌ای)، سایه (به جای سایه‌ای) و نه (به جای نه‌ای)، رفته (به جای رفته‌ای)

### ۱-۳ اصالت و درجه اعتبار

این نسخه به استناد نوع خط که نستعلیق خوش و خواناست (و یک استاد خط آن را نوشته شده) و نوع رسم الخط و ویژگیهای خطی آن، و همچنین نوع جلد، کاغذ و نوع تزیینات، (در کتیبه‌ها، سرلوح‌ها، جدولها، شمسه‌ها و...) به احتمال بسیار قوی در روزگار مؤلف و در قرن نهم هجری کتابت شده است. بر اساس گفته مؤلف مقامات جامی سروده‌های پیرجمال در روزگار خود وی توسط مریدانش جمع آوری و توسط همشهریان اردستانیش (و یا دیگر مریدانش) به این شکل و آیین در زیبایی هرچه تمامتر ترتیب داده



می‌شده و به اطراف و اکناف و به نزد بزرگان و حاکمان ولایات فرستاده می‌شده است<sup>۳۱</sup> و جالب اینکه این نسخه نیز از زیباترین نسخ همان دوره است که احتمالاً در همان کارگاه‌ها، برای شخص مهمی ترتیب داده شده بوده است ولی متأسفانه همانگونه که قبلاً گفته شد به دلیل افتادگی و یا سرقت برگ یا برگه‌های نخستین این نسخه؛ اگر احیاناً در آن اطلاعاتی هم در خصوص چگونگی اهدای آن و نام هدیه گیرنده وجود داشته امروز از فهم آن عاجزیم. وجود تذهیبات و تزیینات خاص و همچنین ترتیب شکل دادن به مطالب در این نسخه سبب شده، تا اطلاعات با ارزشی از آن دوره تاریخی (دوره تیموری) و از آن محدوده جغرافیایی (عراق عجم) در خصوص نوع نسخه پردازی و کارگاه‌های تذهیب، تزیین و تجلید نسخه‌های دست نویس به جای بماند و البته شرایط یک تحقیق کامل در این باره را داشته باشد.

اما در خصوص درجه اعتبار باید گفت این نسخه به دست آمده از آثار پیر جمال، در قسمتهای منثور (به خصوص در رساله شرح الکنوز که اینجانب بررسی و تصحیح کرده‌ام)<sup>۳۲</sup> در کاملترین صورت و به شکلی دست نخورده باقی مانده و از سیاق متن پیداست که کاتب تمامی مطلب را بی کم و کاست نگاشته است. نکته مهم دیگر اینکه برخی ویژگیهای رسم الخط این نسخه به گونه‌ای است که نشان می‌دهد مطالب آن را برای کاتب می‌خوانده‌اند و او می‌نوشته است، چنانکه در معرفی ویژگیهای رسم الخط این نسخه ( در بندهای ۱-۲-۱۳ / ۱-۲-۲۲ / ۱-۲-۲۴ / ۱-۲-۲۵ / ۱-۲-۲۶ و ۱-۲-۲۹) به این نشانه‌ها اشاره شده، این نشانه‌ها به خصوص حرکت گذارهای کاتب و الگوهای سرهم نویسی و جدانویسی متفاوت، در برخی از کلمات، نشان دهنده لهجه و گونه خاص زبانی وی و یا خواننده متنی است که به او کمک می‌کرده است و همین ویژگی مهم رسم الخط باعث شده تا گونه‌ای از لهجه‌های زبان عراق عجم تا جایی که ممکن بوده توسط کاتب به روی کاغذ منتقل شود. و به احتمال بسیار قوی این گونه زبان همان گونه از لهجه فارسی عراق عجم بوده که خود پیر جمال نیز به آن زبان صحبت می‌کرده است. وجود این اطلاعات با ارزش زبان‌شناسی که نشان دهنده چگونگی تلفظ برخی از واژه‌ها در لهجه زبان فارسی عراق عجم در حوزه تاریخی قرن نهم هجری است به درجه اعتبار و اهمیت این نسخه بسیار می‌افزاید و باید رسم الخط این نسخه با توجه خاصی مورد نظر اهل فن قرار گیرد.

## منابع:

- ابن یوسف شیرازی، فهرست نسخ خطی مجلس شورای ملی چاپخانه مجلس شورای ملی، مهر ۱۳۵۳.
- اردستانی، پیرجمال، مرآة‌الافراد، به تصحیح حسین انیسی پور، انتشارات زوار ۱۳۷۱.
- اردستانی، پیرجمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۵۷ و شماره عکس ۱۳۲۱ در دانشگاه تهران.
- اردستانی، پیرجمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه ملک به شماره ۵۰۵۲.
- اردستانی، پیرجمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۲۷۶.

- آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپخانه مجلس شورای ملی ۱۳۳۳.
- باخزری، عبدالواسع، مقامات جامی به تصحیح نجیب مایل هروی، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- بلوشه، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس، انتشارات کتابخانه ملی پاریس، فاقد تاریخ انتشار.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آتشکده اردستان، تهران ۱۳۴۲.
- رکن زاده آدمیت، محمد حسین، دانشمندان و سخن سرایان فارس، انتشارات خیام، ۱۳۴۰.
- روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۹.
- صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس ۱۳۷۲.
- صفی، فخرالدین علی، لطایف الطوائف، به اهتمام احمد گلچین معانی، انتشارات اقبال، چاپ هشتم، ۱۳۷۸

- نیکلسون، رینولد، «پیرجمال اردستانی»، در کتابی به نام عجب نامه، چاپ کمبریج ۱۹۲۲.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران، تهران کتابخانه فروغی، ۱۳۴۴.
- مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، انتشارات خیام ۱۳۷۷.
- معصوم علیشاه شیرازی، طرائق الحقایق، چاپخانه بارانی، فاقد تاریخ انتشار.
- هدایت، رضا قلی خان، اصول الفصول، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۱۰۳.
- هدایت، رضا قلی خان؛ ریاض العارفین، چاپخانه مهدیه تهران ۱۳۱۶.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. معصوم علیشاه شیرازی، طرائق الحقایق، (چاپخانه بارانی، فاقد تاریخ انتشار) جلد ۲، ص ۳۵۵.
۲. رضا قلی خان هدایت، اصول الفصول، (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۲۱۰۳)، ص ۴۸۵.
۳. محمد علی مدرس، ریحانة الادب، (انتشارات خیام ۱۳۷۷) جلد ۱، ص ۳۱۲.
۴. ابن یوسف شیرازی، فهرست نسخ خطی مجلس شورای ملی (چاپخانه مجلس شورای ملی، مهر ۱۳۵۳)، جلد ۳، ص ۳۹۲.
۵. رینولد نیکلسون، «پیرجمال اردستانی»، در کتابی به نام عجب‌نامه، (چاپ کمبریج ۱۹۲۲) ص ۳۶۵.
۶. عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف، (انتشارات امیر کبیر چاپ چهاردهم ۱۳۶۹)، ص ۳۳۳.
۷. محمد حسین رکن زاده آدمیت، دانشمندان و سخن سرایان فارس، (انتشارات خیام، ۱۳۴۰) جلد ۴، ص ۱۴۲، ذیل فضل الله خجندی.
۸. ذبیح‌الله صفاء، تاریخ ادبیات در ایران، (انتشارات فردوس، ۱۳۷۲) جلد ۴، ص ۴۵۵.
۹. سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، (تهران کتابخانه فروغی، ۱۳۴۴)، ص ۲۴۴.
۱۰. بلوشه، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس، چاپ کتابخانه ملی پاریس، جلد ۳، ص ۲۴۴.
۱۱. رضا قلی خان هدایت، ریاض العارفین، (چاپخانه مهدیه تهران ۱۳۱۶)، ص ۸۵.
۱۲. حسن بیک روملو، احسن التواریخ، (بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۹)، ص ۸۴۸.

۱۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، (چاپخانه مجلس شورای ملی ۱۳۳۳)، قسم اول از جز تاسع ص ۱۶۱.
۱۴. ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی، آتشکده اردستان، (تهران ۱۳۴۲)، بخش دوم، ص ۳۸۴.
۱۵. پیرجمال اردستانی، مرآة الافراد، به تصحیح محمد حسین انیسی پور، (انتشارات زوار ۱۳۷۱)، ص ۱۵۵.
۱۶. آتشکده اردستان، بخش ۲، ص ۳۵۱.
۱۷. همان، همانجا، ص ۳۶۹.
۱۸. پیرجمال اردستانی، شرح الكنوز، کلیات، (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۲۷۶) صص ۷۶ و ۷۷، و نیز پیر جمال اردستانی، و نیز تنبیه العارفين، کلیات، (نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، به شماره ۴۲۷۶)، ص ۲۶۹.
۱۹. پیرجمال اردستانی، فتح الابواب، کلیات، (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۵۷، و به شماره عکس ۱۳۲۱، در دانشگاه تهران)، ص ۵۲۸.
۲۰. شرح الكنوز، صص ۷۷ و ۷۸.
۲۱. پیرجمال اردستانی، معلومات، کلیات (نسخه خطی کتابخانه ملک فیه شماره ۵۰۵۲)، ص ۲۷۲.
۲۲. شرح الكنوز، ص ۸۱.
۲۳. پیرجمال اردستانی، محبوب الصدیقین، کلیات (نسخه خطی کتابخانه ملک، به شماره ۵۰۵۲)، ص ۲۱۰.
۲۴. احسن التواریخ، وقایع سال ۸۵۱، ص ۲۶۸.
۲۵. همان، وقایع سال ۸۵۳، ص ۲۹۵.
۲۶. شرح الكنوز، ص ۸۷.
۲۷. احسن التواریخ، وقایع سال ۸۵۷، ص ۳۲۲.
۲۸. رک: عبدالواسع باخزری، مقامات جامی، به تصحیح نجیب مایل هروی (نشر نی، چاپ دوم ۱۳۸۳)، ص ۱۸۰. و نیز رک. فخرالدین علی صفی، لطایف الطوائف، به سعی احمد گلچین معانی، (انتشارات اقبال، چاپ هشتم ۱۳۷۸)، ص ۲۳۲.
۲۹. فتح الابواب، ص ۵۲۸.
۳۰. آتشکده اردستان ص ۳۸۴.
۳۱. مقامات جامی، ص ۱۸۰.
۳۲. این رساله بزودی انتشارات مجلس شورای اسلامی منتشر خواهد ساخت.